



خبر

فرش دستبافی که گنبد شد



گنبد‌هایی از فرش‌های دستباف مناطق مختلف ایران‌که ابوالفضل ابوشاهی خالق آنهاست، این بار در فضای موزه فرش تهران به نمایش گذاشته شده است.

این هنرمند درباره اثرش با عنوان «گنبد ابدی» می‌گوید: فرش‌های استفاده شده در این اثر از فرش‌هایی با طرح‌های اصیل ایرانی هستند که از نواحی مختلف کشور پیدا کرده‌ام. این فرش‌ها از شهرهای مختلف از جمله همدان، کاشان و بازار تهران جمع‌آوری شده است. تعمدی هم برای به‌کارگیری قالی‌های کهنه ایرانی داشتم، زیرا اغراق ایرانی بودن موجب جلب توجه می‌شود. ارائه این فرش در قالب جدیدی مثل شکل گنبد باعث شگفتی مخاطب می‌شود که تا کنون بازخوردهای متفاوت و جالبی هم از آن دریافت کرده‌ام.

این مجموعه پیش از این در فرهنگستان هنر، اوقاف و خانه هنرمندان تهران نیز به نمایش درآمده و در حال حاضر در موزه فرش به نمایش گذاشته شده است.

این هنرمند با بیان این‌که چهار اثری که در موزه فرش به نمایش گذاشته شده، بخشی از مجموعه گنبد ابدی است، گفت: در چیدمانی که در این موزه داشتم فکر کردیم برای آثار دیگر این مجموعه، فضای کافی وجود ندارد و به همین دلیل به چیدمان چهار اثر اکثفا کردیم. به احتمال زیاد این مجموعه تا نوروز ۱۳۹۸ در موزه فرش نمایش داده شود.

تشکر شهرام ناظری از مردم



شهرام ناظری که چندی پیش به دلیل عفونت ریه در بیمارستان بستری شده بود، با انتشار پیغامی از تمام کسانی که نگران حال این هنرمند بودند، تشکر کرد.

متن پیام به این شرح است: «با درود. جادارد که از کلیه هم‌میهنان عزیزم و دوستاندار هنر اصیل ایرانی سپاسگزاری کنم. کسانی که در دوره نقاht من نگرانم بودند و از طرق مختلف حسن، قدرانی، عشق و عاطفه‌شان را به من ابراز داشتند. بی‌شک انرژی همین عشق در بهبود من سرعت بخشید. این همان عشقی است که ما را در محیط نامناسب موسیقی سرپا نگه داشته است. با تمام وجود از شما ممنونم و دوستان دارم.»

این خواننده موسیقی ایرانی به دلیل عفونت ریه در بیمارستان بستری بود و کنسرت‌های وی در اصفهان به دلیل بستری‌شدن و درمان در بیمارستان لغو شده بود.

درخشش عکاسان ایرانی

در جشنواره عکس بروکلین آمریکا۲۰۱۸، عکس‌های «تاریکی» از سعید عرب‌زاده، برنده مدال برنز سالن و عکس «شخم‌زدن» از امین دهقان، برنده رویان سالن شدند. در این جشنواره که زیر نظر فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) و انجمن عکاسی آمریکا (PSA) برگزار شد، آثاری از عکاسان عضو کلوپ فوکوس (نمایشنگی فیاپ در ایران) در بخش‌های مختلف شامل سعید عرب زاده، امین دهقان، رضا عاملی‌پور، احمد خطیری، امین زمزم، علی سامعی، بهرام یزدان‌پناه، طالب حیدری، هوتن باباپور و امیرحسین هنرور پذیرفته شدند.

فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) سال ۱۹۴۶ پایه‌گذاری شد و از آن سال تاکنون واسطه‌ای برای برقراری ارتباط بین موسسات ملی عکاسی در کشورهای مختلف جهان بوده است. فیاپ در هر کشور تنها یک دفتر دارد که در حال حاضر نماینده رسمی فیاپ در ایران کلوپ عکس فوکوس است.



حواشی کنسرت‌ها مسأله دارد، نه خود اجراها

معاون هنری وزیر ارشاد می‌گوید بسیاری از مسائلی که درباره اجراهای موسیقی و تئاتر مطرح می‌شود، به حواشی اجراها برمی‌گردد و مربوط به ساخت موسیقی و وظایف دفتر موسیقی نیست. سیدمجتبی حسینی در جلسه مدیران و مشاوران معاونت تعداد برنامه‌های هنری در حوزه‌های تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی

فرش دستبافی که گنبد شد

خبر

۱۲

اگر کسی بخواهد درباره عاشورا کار کند، با مانع روبه‌رو می‌شود. در سال‌های گذشته هم دیده‌ایم کسانی وارد این عرصه شدند که یا اجازه ساخت فیلم به آنها داده نشد، یا منصرفشان کردند یا فیلم ساخته شد و فرصت اکران پیدا نکرد

شمرده حرف می‌زند، حواسش به کلمه‌ها هست، وقتی نویسنده باشی و سال‌ها هم سابقه کار مطبوعاتی در کارنامه فعالیت‌هایت داشته باشی، طبعاً نشستن دو طرف ماجرا را تجربه کرده‌ای و می‌توانی خوب شرایط را مدیریت کنی. صادق کریم‌ار نویسنده است، روزی روزگاری نه چندان دور روزنامه نگاری را تجربه کرده؛ یعنی هم در جایگاه امروز ما به‌عنوان مصاحبه‌کننده نشست‌ه و هم آن طرف میز به‌عنوان نویسنده و کارگردان سریال‌های تلویزیونی در جایگاه مصاحبه‌شونده نشست‌ه و پاسخ داده است. خب…



زینب مرتضایی فرد

فرهنگ و هنر

این روزها مشغول چه کاری هستی؟

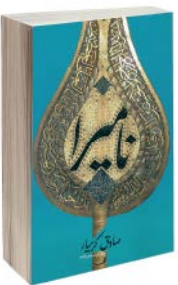
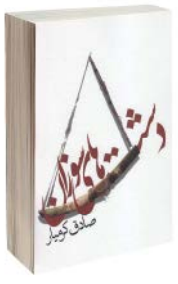
می‌نویسم، نوشتن کار من است، کار دیگری بلد نیستم.

اما شنیده‌ایم در حال برنامه‌ریزی برای ساخت فیلم سینمایی باکمک هیئات مذهبی هستید.

بله. همین‌طور است.

چه شد که تصمیم گرفتید فیلم را با این شیوه بسازید؟

من تصمیم نگرفتم. مدت زیادی بود که پیگیری می‌کردم تا بتوانم بودجه بگیرم و براساس رمان «نامیرا»یم که موضوعش با امام حسین^(ع) مرتبط است، فیلمی بسازم. هیچ جابه من کمک نکرد و در نهایت هم کار را رها کردم، تا این‌که یکی از دوستانی که سمت خیابان مولوی و باغ فیض هیات دارند، نزد من آمد و خواست فیلم را با پول هیات بسازیم. من هم دیدم فکر بسیار خوبی است و استقبال کردم. با خودم گفتم کار هیات است، امضا و دستور کسی را لازم ندارد و کسانی هم پیشنهادش را مطرح کرده‌اند که نیتشان خوب است. اگر شرایط فراهم شد و این اتفاق افتاد که بهتر اگر نه هم من و آنهایی که با نیت پاک وارد موضوع شدند، تلاش خودمان را کرده‌ایم. روبه‌رو شدن با کسانی که دنبال چیزی جز امام حسین^(ع) نیستند اتفاق ارزشمندی است، چون می‌بینیم که رفته رفته امام حسین^(ع) به دکانی برای بعضی‌ها بدل



روایت ما و کریم‌ار و «مستوری»

ماجرای گفت و شنودهای ما و کریم‌ار درباره رمان هایش از «مستوری» آخرین اثری که منتشر کرده شروع می‌شود. گفتیم که کریم‌ار تجربه بودن دو طرف میز را دارد. وقتی با انتقادآتمان روبه رو می‌شود و نه ما می‌توانیم او را راضی کنیم و نه او ما را، با خنده می‌گوید: «بنویسید «مستوری» کار بسیار ضعیفی است هم از نظر ساختار و هم محتوا و فرم ضعیف‌ترین کار کریم‌ار است. اصلاً رانتی و رفاقتی چاپ شده. اینها خوب است؟» ما هم می‌خندیم که‌ای با ما کلاً تجربه این طرف میز بودن را داریم، اما به نواخته شدن عادت داریم! البته همه اینها در قالب شوخی رد و بدل می‌شود، اما واقعیت این است ته حرف‌های ما این طرف میز و کریم‌ار آن طرف میز رگه‌هایی از مخالفت هم دیده می‌شود که اساساً همین می‌تواند مصاحبه را جذاب کند!

از او می‌پرسیم، ایده مستوری از کجا آمد و کی نوشته شد؟ می‌گوید: «این رمان را سال ۷۸ نوشت‌م ولی دو سال پیش بازنویسی کردم و با شرایط جدید جامعه تطبیق دادم تا چاپ شود. «محمدصادق علیزاده دبیر گروه فرهنگ و هنر می‌گوید: احتمالاً آن موقع اجازه نشر پیدا نمی‌کرد که کریم‌ار پاسخ می‌دهد: آن موقع من کارهایی که می‌نوشت‌م تماایل



پاصادق کریم‌ار درباره فیلم سینمایی «نامیرا»

که قرار است با همکاری هیئات مذهبی ساخته شود

سینمای امروز نارفیق است

فکر کنم همین چند سطر نشان بدهد حرف زدن و بحث کردن با او کار راحتی نیست و هر چند بسیار ظریف و صمیمی اما چالش‌های خاص خودش را دارد. او این روزها دست به کار شده تا با همکاری و پیشنهاد هیئت مذهبی براساس رمان «نامیرا» از کتاب‌های موفق خودش فیلم سینمایی درباره امام حسین(ع) و واقعه عاشورا بسازد. باو درباره این تصمیم خاص

والیته جذاب گفت‌وگو کردیم. درباره سینما ی دهه ۶۰ تا ۹۰ سختی‌های ساخت آثار مذهبی و… مفصل حرف زدیم. می‌توانید در ادامه این مصاحبه را ببخوانید و البته در ستون همین صفحه هم نتایج گپ و گفتمان با او درباره کتاب هایش را به‌طور اجمالی ببخوانید.

بودجه مورد نیاز فیلم هستند و من هم در حال بازنویسی فیلمنامه هستم و در این مرحله نگاه تولیدی و تصویری خودم را به آن می‌افزایم و جذابیت‌های بصری اش را بررسی می‌کنم. چون فیلم مخاطبانی متفاوت و از طیف‌های مختلف خواهد داشت و به همین دلیل هم باید در پیش بردن آن حتی در ظرایف دقت نظر خاصی داشت.

و مراحل بعدی از چه زمانی آغاز می‌شود؟
نگارش فیلمنامه در همین ماه به پایان می‌رسد و از بهمن ماه وارد مرحله پیش تولید خواهیم شد. این‌که مجوزهای لازم را بگیریم و شروع کنیم به عقد قرارداده‌ا و…

از عوامل اصلی فیلم کسی را هم انتخاب کرده‌اید؟
ما داریم تلاش می‌کنیم بدون ام و به باری روی دوش بانک یا سینما یا دولت بگذاریم، کارمان را پیش ببریم و امیدوارم که بشود و بتوانیم…

موضوع «نامیرا» در ادامه ارزش‌هایی است که در کارهای فرهنگی در کشور دنبال می‌شود. چرا باید در کمک گرفتن برای ساخت فیلم با او ادامه کار منصرف کند.

بسیار گسترش و افزایش یافته است. در مواردی که ممکن است تئاتر یا نمایشگاه اندکی مورد انتقاد باشد، فریادها بلند می‌شود، اما آن حجم از فعالیت‌ها و برنامه‌ها دیده نمی‌شود. بسیاری از مسائلی که درباره اجراهای موسیقی و تئاتر مطرح می‌شود، به حواشی اجراها برمی‌گردد و مربوط به ساخت موسیقی و وظایف دفتر موسیقی

این همه مشکل مواجه شوید؟

اگر کسی بخواهد درباره عاشورا کار کند، با مانع روبه‌رو می‌شود. در سال‌های گذشته هم دیده‌ایم کسانی وارد این عرصه شدند که یا اجازه ساخت فیلم به آنها داده نشد، یا منصرفشان کردند یا فیلم ساخته شد و فرصت اکران پیدا نکرد. من دلایل این اتفاقات را نمی‌دانم، تصور کنید در کشورهای اروپایی و آمریکا با شخصیت‌هایی که قصد ترویج منش و رفتار افکار آنها در جامعه را دارند چه برخوردی می‌کنند و ما چه برخوردی داریم. در این کشورهای غربی از ساخت فیلم سینمایی و سریال گرفته تا انیمیشن برای بچه‌ها همه‌وهمه دست به دست هم می‌دهد تا آن شخصیت را بشناسند و ترویج کند. اینها یعنی بودجه‌ای خاص برای این کارها در نظر گرفته می‌شود تا الگوهای مورد نیاز را برای جامعه تعریف کنند. آن وقت در کشور ما تلاشی که در کار نیست هیچ، موانعی هم وجود دارد که آدم را از ادامه کار منصرف کند.

با توجه به تصمیم خاستان برای ساختن فیلم سینمایی «نامیرا» این روزها گفت‌وگوهای متعددی با رسانه‌ها داشته و از روند سینمای کشور در دهه ۹۰ انتقادهای فراوانی کرده و آنها را با فیلم‌های سینمایی دهه ۶۰ مقایسه کرده‌اید. لطفا جزئی‌تر درباره این موضوع توضیح دهید و بگویید بین آثار سینمای ایران در این دو دهه چه شباهت‌هایی وجود دارد؟

به لحاظ مضمون هیچ شباهتی بین اینها نمی‌بینم و کاش سینمای این دو دهه با هم شباهت‌هایی داشت! ا فیلمفارسی‌های دهه ۶۰ و ۵۰ با همه انتقاداتی که نسبت به آنها داریم چیزهایی را ترویج می‌کردند که برای جامعه مفید بود. رفاقت، مردانگی و صفات دیگری که این فیلم‌ها ترویج می‌کردند به مردم جامعه آن روز می‌خورد و فضای ذهنی مردم را تلطیف هم می‌کرد. به مردم می‌گفت بر عهدتان پایدار بمانید و پای حرفتان بایستید و … هر چند اینها را با فرم خاص خودش می‌گفت که مورد تایید ما نیست، اما این وجه مثبت را داشت. حالا امروز در سینمای دهه ۹۰ ما چه داریم؟ ما در سینمای دهه ۹۰ دچار انحطاط هستیم. سینمای امروز ما از جنایت و خیانت و نارفیقی حرف می‌زند.

اینها به نسل بعدی منتقل می‌شود و بر فکر و ذهن آنها تاثیر می‌گذارد. در فیلم‌های امروز می‌بینیم خیلی از مضامین مثبت و صفات اخلاقی و اجتماعی و فردی تحقیر می‌شود. مثل همین مردانگی و آدم خوب بودن و … ما با سینمایی روبه رو شدیم که شرافت در آن تحقیر و تمسخر می‌شود. این موارد به نسل جوانی که دارند فیلم‌ها را می‌بینند، آسیب می‌زند به همین دلیل می‌گویم کاش فیلمسازهای ما بنشینند و فیلمفارسی ببینند.

این حرف‌ها را به‌طور خصوصی به دوستان سینماگر گفته‌اید؟

در بحث‌ها و جلسات خصوصی و رفاقتی بارها مطرح شده و گفته‌ایم، اما بهره‌بردارای‌های مادی از سینما نمی‌گذارند آن‌طور که باید پیش برویم.

و نتیجه این است که مدیریت فرهنگی جامعه هم به سینما اعتراض می‌کند و به جای

نقد

فرهنگ و هنر

۱۲

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

مستوری

نیست، اما باز هم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مورد نقد قرار می‌دهند. به گفته او با توجه به شرایط کشور و میزان اعتبار و بودجه که پاسخگوی ضرورت‌ها و نیازهای جامعه هنری نیست، معاونت امور هنری تلاش می‌کند از فضای هنر صیانت، الگوسازی و به اقتصاد هنر توجه کند. از سوی دیگر مورد نقدهایی نیز قرار بگیرد.

نمی‌رسد.

متأسفانه این سال‌ها مدیریت فرهنگی با بخشنامه انجام شده و به همین علت هم فایده‌ای برایمان نداشته است. حداقلش این است که ما در تجربه سالیان گذشته از دهه ۶۰ تا امروز که فارابی شکل گرفت و آقای محمد بهشتی مدیریت کلان سینما را به عهده داشتند، این موضوع را تجربه کرده‌ایم. به خاطر دارم آن زمان، سیاست اصلی سینمای ما مبنی بر هدایت و حمایت بود. می‌گفتند ما از سینماگران حمایت می‌کنیم و در عین حال آنها را هدایت می‌کنیم به سمت تعالی و رشد تا بتوانیم یک سینمای ارزشمند در شان انقلاب و جمهوری اسلامی ایجاد کنیم.

البته آقای بهشتی در سینما مدیر موفق نبود.

می‌خواهم همین را بگویم، این سیاست حمایت و هدایت اما راه به جایی نبرد. این موضوع خودش رازمانی خیلی خوب نشان داده که زنده یاد سیف‌ا… داد در دوره اصلاحات سکاندار مدیریت سینما شد و دست سینماگران را تقریباً باز گذشت تا هر کاری می‌خواهند بکنند و هر فیلمی می‌خواهند بسازند.

آن موقع دیدیم طنابی که آقای بهشتی محکم نگه داشته بود، پاره شد و فیلم‌هایی که از آن دوره ساخته شد همه به سمت انزال رفت. یعنی آن رشدی که در سیستم حمایت و هدایت قرار بود اتفاق بیفتد و جواب بدهد، نتیجه‌ای اصلاً عکس داشت.

پس اقرار دهه ۶۰، تفریط‌های دهه ۸۰ را رقم زد؟

بله و مسؤولان ماندند که چطور شد يك مرتبه سینمای ما به این سمت آمد. علتش هم این بود که در حمایت‌ها اولین اتفاقی که می‌افتد، شکل‌گیری ریاکاری است. یعنی سینماگران اگر اثری می‌ساختند که با ذائقه مدیریت آن دوره سینما همخوانی داشت، حمایت می‌شدند و این موضوع موجب شده بود آنها به سمت و سویی که می‌خواهند نروند و بیفتند در مسیری که بودجه و حمایت دارد، اما وقتی فرصت دیگری فراهم شود کاملاً به سمت شرایطی متفاوت می‌روند. این تجربه نشان داد سیاست هدایت و حمایت جواب نداده است. بعد از دوره اصلاحات هم، سینما تقریباً رها شد و هرمدیر و معاونی هم رسید براساس سیاست‌هایی که خودش داشت يك سری کارها را انجام می‌داد. یکی می‌گفت خانه سینما را ببندید، یکی دیگر با آن همکاری و همراهی می‌کرد و… همه اینها نشان می‌داد هیچ سیاست کلانی برای سینمای ما وجود ندارد. نه آن قدر آمادگی هست که سینما را کاملاً آزاد بگذارند هر که هر چه دلش می‌خواهد بسازد و نه این‌قدر توان فکری و شخصیتی ده ۶۰ وجود داشت که بتوانند روی سینماگران تاثیر بگذارند. در نتیجه شرایط رها شد و رسیدیم به امروز.

در حال حاضر هم که سیستم سرمایه برای سینما تصمیم می‌گیرد و محتوای آن را شکل می‌دهد. موافقتی؟

در کل جهان سینما هنر- صنعت است و طبعاً سرمایه در این صنعت حرف اول را می‌زند. پس این موضوع غیرعادی نیست، اما مدیریت ما شرایط را آن‌طور که باید مدیریت نکرده است، اگر در دهه ۶۰ تیمی که سیاست هدایت و حمایت را داشتند به جای این سیاست تلاش می‌کردند تهیه کنند، صاحب تفکر و سرمایه تربیت کنند امروز چنین شرایطی نداشتیم. مدیران آن دوره روی کارگردان‌ها سرمایه‌گذاری کردند، در حالی که کارگردان زیر تیول سرمایه است.

در همه جهان سرمایه بر سینما حکومت می‌کند، در سینمای هالیوود هم سرمایه حاکم است و صاحب يك کمپانی بدون احتمال بازگشت سرمایه اش روی اسپیلبرگ هم سرمایه‌گذاری نمی‌کند. اما چرا سینمایشان هم به لحاظ سرمایه و هم تفکر جواب می‌دهد؟ تعارف نداریم و نمی‌توانیم يك سری چیزها را ندیده بگیریم. تهیه‌کننده صاحب تفکر است.

شما می‌بینید در سینمای هالیوود حتی اگر فیلم احساسی هم می‌خواهند بسازد به بهترین شکل می‌سازند. در هالیوود فیلم مدیبن هم که می‌خواهند بسازند به بهترین شکل می‌سازند و باز علاوه بر این‌که مفاهیم مذهبی درآن هست مخاطب هم دارد، می‌فروشد و سرمایه را بازمی‌گرداند. این وجود تهیه کنندگان خوش فکر و اندیشمند است که پشت سرمایه ایستاده‌اند و سینما را هدایت می‌کنند. این همان چیزی است که نیاز مامت و نداریمش.